



کُردها و اسلام

نقدی بر کتاب

«کوردستان و پروسه‌ی به‌نی‌سلام کردنی کورد»

مؤلف : هیوا سلام

مترجم : کیومرث یوسفی

گُردها و اسلام

مؤلف: هیوا سلام

مترجم: کیومرث یوسفی

ناشر: نشر احسان

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپخانه: مهارت

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۸۳۸-۲

سلام، هیوا

گُردها و اسلام: نقدی بر کتاب «گوردستان

و پروسهای به نسلام کردنی کورد»

هیوا سلام: ترجمه کیومرث یوسفی.

تهران: نشر احسان، ۱۳۹۴

۱۲۴ ص. ۲-۸۳۸-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸ ISBN

فپیا

موضوع: کردان -- ایران -- تاریخ

موضوع: اسلام -- گوردستان

موضوع: کردان -- ایران -- دین

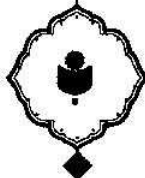
شناسه افزوده: یوسفی، کیومرث، ۱۳۵۰ -،

مترجم

۱۳۹۴ ۷۶ س ۴ / DSR۷۲

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۹۸۴

کتابخانه ملی ایران ۲۴۷۹۴۶۸



نشر

تقدیم بہ برادر

جیاکو یوسفی

مترجم

www.ketab.ir

فهرست

۹	مقدمه
	ملاحظات پیرامون کتاب «کوردستان و پروّسه‌ی به ئیسلام
۱۷	کردنی کورد»

بخش نخست:

۲۱	۱. عنوان موضوعی آکادمیک
۲۷	۲. حدود و چارچوب (دامنه و وسعت) موضوعی آکادمیک
۳۱	۳. علت انتخاب موضوع
۳۵	۴. تجزیه و تحلیل منابع موضوع
۳۹	۵. هیأت داوری

بخش دوم:

۴۵	۱. گردها و مسأله‌ی «مسلمان کردن» یا «مسلمان شدن»
۵۵	۲. تعریف سرزمین گردها
۶۷	۳. «وضعیت دینی و سیاسی گُرد قبل از اسلام»

۴. «آزادسازی و اشغال کردستان در کتاب‌های: کردستان

له به ردهم فتوحاتی ئیسلامی ۱۵» و «کردستان و پرؤسه‌ی

به ئیسلام کردنی کورد» ۸۹

۵. «جزیه و نقش آن در آزادسازی کردستان از

طریق صلح و آشتی» ۱۱۰

۶. «دلایل و عوامل طغیان و قیام شهرها و

شهرک‌های گُردی» ۱۱۷

منابع ۱۲۹

www.ketab.ir

مقدمه

مسأله فتوحات اسلامی در بیش‌تر کتاب‌های تاریخ دوره‌ی اسلامی از جمله کتاب‌های شخصیت‌هایی «چون طبری، خلیفه‌بن خیاط، قدامه‌بن جعفر، ابن‌اثیر و واقدی» مورد بحث قرار گرفته است؛ هم‌چنین بیش‌تر مستشرقینی که درباره تاریخ اسلامی اثری دارند، آن را بررسی کرده‌اند. چون در دوره‌ی فتوحات، سرزمین‌کردها (کردستان) بین دولت‌های ساسانی و روم تقسیم شده بود، لذا هنگام بحث از آن‌ها، به طور مستقیم و غیر مستقیم از کردها و سرزمین‌شان و چگونگی تصرف شهرهای‌شان سخن به میان آمده است.

در میان‌کردها نیز، مورّخانی از جمله: شرفخان بدلیسی، [آیت‌الله] محمد مردوخ، محمد امین زکی‌بیگ، صالح قفتان و ملّا جمیل روژیانی در آثارشان به صورت پراکنده به مسأله‌ی «فتوحات» پرداخته‌اند؛ هم‌چنین برخی از نویسندگان نیز که درباره‌ی تاریخ ملت کرد قلم فرسایی می‌کنند، از جمله: استاد (عبدالرحمان شرف‌کندی) هزار موگ‌ریانی، ملارثوف حویزی، رفیق صابر، حسن بینجویی، حسن محمود، سلام ناخوش، محمد یوسف و... آثار و تحقیقاتی درباره‌ی «فتوحات» نوشته‌اند. استاد حسام‌الدین نقشبندی،

فائزه عزت، زرار صدیق، احمد میرزا، فرست مرعی و شوان عثمان نیز رساله‌های کارشناسی ارشد خود را به مسأله‌ی «فتوحات اسلامی» اختصاص داده و در مورد آن تحقیق و بررسی کرده‌اند. طبیعی است که درباره‌ی فتوحات اسلامی نظرات متفاوتی ابراز دارند. تفاوت دیدگاه‌ها و اختلاف نظرهای ناشی از متفاوت بودن عقاید و اهداف‌شان می‌باشد. نویسنده‌یی که در تحلیل حوادث و رویدادها، معیارهای مادی را در نظر می‌گیرد، قطعاً نسبت به عوامل روحی و دینی بی‌توجهی می‌کند.

دیگری اگر «ایدئولوژی سیاسی» و «نگرشی عصری» را معیار تحلیل رویدادهای تاریخی دوره‌ی فتوحات قرار دهد، و برخلاف ایدئولوژی‌ش باشد مسیر و علل حوادث را با عینک ایدئولوژی خود خواهد دید؛ هر چند نتیجه‌ی این تحلیل‌ها درست و قطعی باشد، در این صورت تحقیق، روال موضوعی و علمی خود را از دست خواهد داد.

به عقیده‌ی من در تحلیل «فتوحات اسلامی» سه مسأله‌ی مکمل وجود دارد که برای رهایی از چهارچوب تنگ ایدئولوژیک و اظهارنظر نادرست، باید آن‌ها را مدنظر قرار داد:

۱. منابع تاریخی بسیار مهم‌اند، به همین دلیل محقق بایستی اهمیت زیادی برای آن‌ها قایل باشد، اما همین منابع نیز باید مورد تحقیق قرار گرفته و تصحیح شوند تا توجیهات نادرست و بهانه‌های بنی اسرائیلی (موارد کذب) آن‌ها در تحلیل رویدادها و وقایع استفاده نشوند.

۲. ماهیت اسلام و دیدگاه‌ها درباره‌ی «مسأله‌ی فتوحات»:

آیا هدف از فتوحات، دعوت به سوی خدا و آزاد نمودن انسان‌ها از بندگی و عبودیت انسان است، یا مسأله مربوط است به قدرت سیاسی و اقتصادی؟ این نکته بسی مهم است، زیرا اگر نویسنده‌یی نسبت به اصول اساسی اسلام

دید درستی نداشته باشد، درک موضع اسلام نسبت به مسأله‌ی فتوحات برای او مشکل خواهد بود.

۳. رشد و پیدایش اسناد منطقی.

این سه مسأله ساخته‌ی دست انسان‌اند، زیرا مقید به طرز نگرش نویسنده - به عنوان یک انسان - نسبت به اسناد تاریخی، دینی و منطقی‌اند. باید دید این اسناد نشان دهنده‌ی «آزادسازی کردستان» هستند یا «به اشغال درآوردن آن»؟

تمام منابع تاریخی بر این حقیقت تأکید دارند که «گرد» در دوره‌ی فتوحات اسلامی نه «دولت مستقلی» داشته است و نه «دینی ملی و مستقل»، و سرزمین‌اش نیز تحت اشغال و سیطره‌ی اشغال‌گران ساسانی و رومی بوده، و بیش‌تر جنگ‌های میان این دو حکومت اشغالگر در خاک کردستان روی داده است. به گفته‌ی دیگر «گرد» نه تنها هزینه‌ی اشغال و تقسیم سرزمینش را پرداخت نموده، و زیر چرخ ماشین‌های جنگی دو طرف اشغالگر، حیات، هویت، میراث فرهنگی و وجودش هم در معرض تضعیف و نابودی و اضمحلال مداوم بوده است. بر این اساس انتظار می‌رود در رویارویی لشکریان اسلام و ساسانی، یا اسلام و روم، «گرد» در کدامین جبهه قرار - بگیرد؟

برخی از منابع، به نقش اساسی کردهای مسلمان در جنگ قادسیه اشاره دارند. نتیجه‌ی این جنگ تشکیل حاکمیتی اسلامی - کردی در کردستان اشغال شده توسط ساسانیان بود، و بی‌شک در این بخش از کردستان بین سپاه اسلام و ساسانیان جنگ و نزاع روی داده است، و اگر غیر از این می‌بود چگونه حکومتی مانند حکومت ساسانی که عمری چهارصد ساله داشت، سقوط می‌کرد؟

از نظر سیاسی و دینی، نتیجه‌ی این جنگ به نفع کردها تمام شد. از نظر

سیاسی، در شهر مدائن (پایتخت ساسانیان) سلمان فارسی حاکم شد، و در جولای فردی از سپاهیان گُرد و در حلوان نیز شخص گُردی به نام «قباد» حاکم شهر شد. از نظر دینی نیز گُردها دارای «دین واحدی» شده و از پراکندگی و چندگانگی دینی (زرتشتی، مسیحیت و یهودیت) رها شدند. با توجه به این موضوع، به ندرت منبعی از جنگ سپاه اسلام با گُردها سخنی به میان می‌آورد. در این بخش از کردستان چون بیش‌تر مردم مسیحی و یهودی بوده‌اند، و با صلح و آشتی با سپاهیان اسلام به توافق رسیده‌اند، لذا جنگ‌های مهمی هم چون «جنگ نهاوند و قادسیه»، بین سپاه اسلام و روم روی نداده است. در منابع و اسناد تاریخی آمده است که «عمیر انصاری» والی جزیره کردستان - که این بخش از کردستان را از اشغال رومیان آزاد کرد - حاکمیت آن را به «صاحبان اصلی منطقه» سپرده است.

منابع تاریخی هم چنین گویای این حقیقت‌اند که هر جنگی در منطقه روی داده، میان سپاه اسلام و ساسانی یا سپاه اسلام با رومیان بوده است نه میان سپاه اسلام و گُردها. «گُرد» چگونه با سپاه اسلام بجنگد در حالی که خود نه حکومت داشته است و نه سپاه و لشکری؟! برخی از نویسندگان از جمله: ملارئوف، ملاجمیل روژیانی، رفیق صابر و شوان عثمان ادعا دارند، که لشکریان اسلام با «گُرد» و میراث گُردی جنگیده‌اند! آیا وجود هر «فرد گُردی» بر هویت گُردی، غم‌ها، آمال و آرزوها و فرهنگ گُردی دلالت دارد؟ بی‌شک در لشکر ساسانی و روم، «گُرد» عضویت داشته است، احتمال هم دارد که برخی از آن‌ها فرمانده و صاحب منصب نیز بوده - باشند، اما باید پرسید که آن‌ها از «گُرد» دفاع می‌نمودند یا از حکومت‌های ساسانی و رومی؟! اگر این‌طور است، باید از آغاز قیام و شورش شیخ محمود حفید تا قیام ۱۹۹۱ میلادی تمام مستشاران، فرماندهان، خوانین و بیگ‌زاده‌ها در

خدمت «هویت کردی» بوده و از کردستان دفاع نموده باشند، و تمام «پیشمرگان» اشغالگر کردستان بوده‌اند؟! آیا کردهایی که در قادسیه صدام حسین و ام المعمارک کشته شدند، از کردستان دفاع می‌کردند؟! در جنایت هولناک ژینوساید (نسل‌کشی) کرد که صدام حسین آن را «انفال» نام نهاده بود، مگر سیصد گروه مزدور کرد در پیشاپیش لشکریان عراق - برای کشتن کردها و نابودی کردستان - حرکت نمی‌کردند؟! آیا آن‌ها برای «کرد» چنین کاری می‌کردند یا برای اهداف عراقی صدام حسین؟!

در مورد مسأله‌ی دوم یعنی، دیدگاه اسلام درباره «فتوحات کردستان» و هدف از انجام آن، مدلول واژه «اسلام» خود دلالت بر صلح و آشتی دارد. تا زمانی که طرف مقابل بخواهد از طریق عقلانیت و گفت‌وگو، نسبت به مسأله‌ی آگاهی کسب نماید، اسلام با او نمی‌جنگد. پیامبر اسلام ﷺ [رحمة للعالمین] نیز سیزده سال دوران مکی را با چنین منطقی با مردم و هیأت حاکمه به گفتگو پرداختند، و تا او را ناچار نکردند و یارانش از مکه اخراج و کشته نشدند، با ایشان از در جنگ درنیامد، و تمام خواسته‌اش عبارت بود از: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَفْلَحُوا». خلیفه دوم عمر بن خطاب (رضی الله عنه) نیز قبل از این که به جنگ دولت ساسانی برود، گروهی را به نمایندگی خود نزد گرد فرستاد و او را بین یکی از سه امر زیر مُخیر نمود:

۰۱ اسلام آوردن

۰۲ پرداخت جزیه

۰۳ جنگ

اگر یزدگرد به اختیار خود اسلام می‌آورد یا این که پرداخت جزیه را می‌پذیرفت، حکومتش هم چنان پابرجا می‌ماند، اما او جنگ را برگزید، و نتیجه‌ی آن سقوط حکومت و از دست دادن جاننش بود.

هرگز نمی‌توان منکر این موضوع شد که در تاریخ، برخی از فرماندهان و حکام عرب تحت لوای اسلام خواسته‌اند «پان عربیسم» (ناسیونالیسم عربی) را حاکم نمایند، اما چنین بینشی چه دستاوردی داشت؟ عرب‌گرایی افراطی و پان عربیسم چه ثمره‌یی برای آن‌ها به ارمغان آورد؟ و ماحصل آن، چه بود؟ مگر عرب مسلمانانی که شرق و غرب از او واهمه داشتند، نوادگانش امروز تحت لوای پان عربیسم در محدوده‌ی دولت‌هایی سه یا چهار میلیونی محصور نشده‌اند؟ مگر اعراب امروز در غیاب اسلام، گرفتار همان جاهلیت نخستین نیستند؟

در اسلام، منطق در بسیاری از مسایل و مشکلات - تا حد زیادی - نقش خاص خود را دارد، و این‌که هیچ تضاد و کشمکش و رقابتی بین «اسلام و گرد» وجود نداشت، به دلیل وسند و مدرک نیازی نیست؛ در صورت پذیرش منطق صحیح و تسلیم شدن در برابر آن، باید اذعان نمود که «گرد» با اسلام نجنگیده است.

«گرد» خود و سرزمینش تحت سلطه و فاقد دینی مختص به خود بوده است. در اسلام نیز هر کس که شهادتین را بر زبان جاری سازد، مسلمان محسوب می‌شود، و اختلاف نژاد و زبان دال بر بزرگی خداوند متعال هستند، حتی اگر مسأله «دینی هم نباشد» و «گرد» هیچ‌گونه شناختی نسبت به اسلام نداشته باشد و نسل «دوره فتوحات» نیز «بت پرست» بوده - باشند، این ملت آزمایشی هم شده، برای آزادی و رهایی از سیطره‌ی حکومت‌های ساسانی و رومی، اسلام را آگاهانه پذیرا شده است.

در حقیقت اگر منطقی نیز به مسأله نگاهی بیندازیم، تأیید خواهیم کرد که خود اسلام و منابع تاریخی دلایل صحیحی بر این موضوع‌اند، که اکثریت «کردها» از راه صلح و آشتی به استقبال اسلام رفته و همین موضوع باعث شده که امروزه ۹۸ درصد مردم گرد مسلمان باشند.

این تحقیق قرائتی انتقادی ست بر کتاب «کوردستان و پرورشی به ئیسلام کردنی کورد» نوشته شوان عثمان، که از دو بخش تشکیل شده است:

- بخش نخست آن، کتاب مذکور را از منظر تکنیکی و آکادمیک بررسی کرده، و انتقاداتی نسبت به اسلوب‌های رساله شوان عثمان مطرح می‌نماید.
- بخش دوم، خود از شش موضوع نیز تشکیل شده است:

۰۱. مسلمان کردن - مسلمان شدن گردها.

۰۲. تعریب گوردستان.

۰۳. وضعیت آیینی و سیاسی گردها قبل از اسلام.

۰۴. آزادسازی و اشغال گوردستان در کتاب‌های «کوردستان له به ردهم

فتوحاتی ئیسلامی‌دا، کوردستان و پرورشی به ئیسلام کردنی کورد».

۰۵. جزیه و نقش آن در آزادسازی گوردستان از طریق صلح و آشتی.

۰۶. ارتداد و قیام شهرهای گردی.

بدین امید که با این تحقیق پرتوهایی از حقایق را آشکار کرده باشم، باشد که دل‌های حقیقت بین با واقع‌بینی و روحیه‌ی حق‌خواهی و حقیقت‌گرایی از آن استقبال نموده، و آن را پذیرا باشند.

هیوا سلام

۲۰۰۲/۱۲/۱۱